

البيعة لله

البيعة لله

نکته‌ها

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

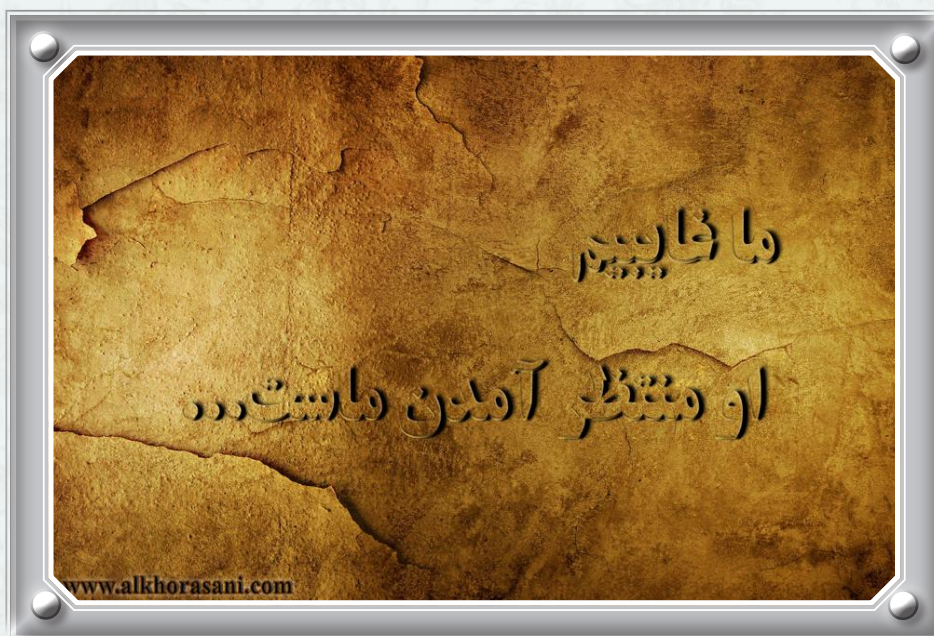
بایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

به مناسبت نیمه‌ی شعبان

نویسنده نکته:

مہتاب مرادی

بسم الله الرحمن الرحيم



ماه شعبان است. قلم به دست می‌گیرم. می‌خواهم بنویسم برای روزهایی که عطر عدالت، کوچه‌های دلتنگی را لبریز می‌کند و نسیم شادی بخش شاپرک‌ها چتری برای دلخوشی شمعدانی‌ها می‌شود.

می‌نویسم از زیبایی‌ها و فضیلت‌های ذاتی این ماه پر خیر و برکت که با کارهای جاهلانه‌ی ما کم رنگ شده است!!! اما خدایا آشفته حالم! نمی‌دانم از جشن‌های تولّد امامان تنها منجی بشریت بنویسم که به عادت شیعیان جهان تبدیل شده است! یا از تنها گذاشتن او که به عادت دیگرشان!!! چه قدر عجیب است! حدود ۱۴۰۰ سال پیش هم همین اتفاق افتاد! امام حسین (ع) در گودال شهادت افتاده است و فریاد می‌زند: «هل من ناصر ینصرنی»؛ «آیا یاری کننده‌ای هست که من را یاری کند؟» و ما در حالی که در زندگی روزمره‌ی خود غرق شده‌ایم و به راه و روش و آرمان او پشت کرده‌ایم می‌گوییم: «لَبَّیک یا حسین»!

مشک عباس، آن پیرو راستین امامش در حال خالی شدن است! و ما در حالی که دست در دست یزیدهای زمانه داریم و بر سر سفره‌ی ابن زیادها نشستهایم، همچنان می‌گوییم: «لَبَّیک یا حسین»!

ندا دهنده ندا می‌دهد: خورشید در حال غروب است، به کمک امامتان بشتابید! ولی ما در حالی که رختخواب خود را پهن می‌کنیم تا بخوابیم می‌گوییم: «اللهم عَجَلْ لولیک الفرَج»!

ای مهدی! به چشمانت خیره می‌شوم و می‌گویم دوستت دارم، تنهایت نمی‌گذارم! اما باز دست در دست غیر تو می‌گذارم و اغیار را در روزگار غیبت، پناه خود می‌شمارم... و تو مانند همیشه به محراب می‌روی و برای این همه بی‌توجهی و بی‌معرفتی من طلب مغفرت می‌کنی!

راستی یادت باشد! حتماً در زمان ظهورت شناسنامه همراه خود داشته باشی!!! چراکه در این زمان، هیچ‌کس به درستی راه و روش و آرمان تو نمی‌اندیشد، هیچ‌کس به حقانیت کلام تو توجه نمی‌کند، هیچ‌کس به دلایل و براهین تو نمی‌نگرد، بلکه همه به دنبال ظواهر و اسامی و اعتبارات عرفی و قانونی هستند! اگرچه می‌دانم که بینات تو از چشم اهل بصیرت پنهان نخواهد ماند، ولی شکی ندارم که خیلی‌ها تو را انکار خواهند کرد و بسیاری از بزرگان قوم علیه تو فتوا خواهند داد!

چه قدر عجیب است! تاریخ تکرار می‌شود!

خواهران و برادران! مهدی (ع) مانند حسین (ع) تنهاست و ما چه خوشبینانه و شاید ساده‌لوحانه می‌گوییم: «اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ!» از بزرگ و کوچک و پیر و جوان و عالم و عامی، همه باورشان شده که با دعا و گریه و تضرع و با ادای واجباتی مانند نماز و روزه و حج و زکات و پرهیز از محرّمات مانند نگاه بد و پوشش بد، تو می‌آیی!! در حالی که نمی‌دانند این‌ها لازم است، اما کافی نیست! به راستی ترک کدام محرّمات بالاتر از موانع هفت‌گانه‌ی شناخت است که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» آن‌ها را تبیین فرموده است؟! یا کدام واجبات بالاتر از زمینه‌سازی برای ظهور مهدی (ع) است که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» به سوی آن دعوت کرده است؟! امروز یاری «نهضت بازگشت به اسلام» به رهبری این عالم مجاهد از همان واجباتی است که ترک شده است... «به انتظار نشستن خطاست، باید به انتظار ایستاد و حرکت کرد»!

ای امام من، مهدی!

نمی‌دانم از برش کیک تولّد شما در این روزها بنویسم یا از بریدن سر مسلمانان به دست مسلمانان در عراق و سوریه؟!

نمی‌دانم از چراغانی و آتش‌بازی این مردم برای ۱۱۸۲ سالگی شما بنویسم یا از بمب‌هایی که این روزها خانه‌ها را بر سر ساکنینش آوار می‌کند؟!

نمی‌دانم از هزینه‌ی میلیاردی تراکت‌ها و بیلبوردهای بی‌حاصل در این ماه بنویسم یا از شکم گرسنه‌ی کودکان یتیم!

حالم از این همه غفلت و ساده‌لوحی به هم می‌خورد! سرمان بدجور کلاه رفته است! جفت پوچ آورده‌ایم که تو نیستی! چه آدم‌های خوبی هستیم!!! حتی صدایمان هم بلند نمی‌شود و چندان هم

ناراضی نیستیم! برای به دست آوردن همه چیز حرص می‌زنیم و تا می‌توانیم تلاش می‌کنیم و دوندگی می‌نماییم! پول، مقام، ثروت، شهرت و ... را با هر مشقّتی و به هر قیمتی به دست می‌آوریم، اما نوبت به ظهور تو که می‌رسد می‌نشینیم و می‌گوییم: «خدا کند که بیایی!!» آن قدر با تو نبوده‌ایم که «با تو نبودن» عادتمان شده است و به آن خو کرده‌ایم.

باز نمی‌دانم از کدام بنویسم ... از پخش شیرینی و شربت در این روزها به دست آن جوانک متعصّب دو آتشه که از مسلمانی حتی الفبای آن را هم نمی‌داند و با این حال، به پرچمدار اسلام در روزگار خود اهانت می‌کند؟! یا از تلخی زهر غیبت که از کودکی گوشت و پوستمان را مسموم کرده است؟!

نمی‌دانم از جشن‌های بی‌پایه و اساس و پر از گناه که در این ماه بر پا می‌شود بنویسم یا از زندانیان سیاسی که بدون هیچ جرم شرعی و تنها به خاطر انتقاد از ظلم، آزادی‌شان سلب شده است و زندگی‌شان از هم پاشیده است؟!

آقای مظلوم من! مگر می‌شود این همه تناقض؟! قلبم گواهی می‌دهد که اگر این حاکمان ظالم و غاصب اندکی مجال بدهند، تو می‌آیی و آیینی زنگارگرفته‌ی قرن‌ها جهالت و سکوت و روزمرگی را دوباره جلا می‌دهی. ولی مگر این قدرت‌پرستان مجال می‌دهند؟! این‌ها خوب می‌دانند که ذره‌ای غفلت آنان به ظهور تو منجر خواهد شد و از این جهت، همه‌ی حواسشان را جمع کرده‌اند که مبادا در دشمنی با زمینه‌ساز ظهور تو ذره‌ای سستی یا کوتاهی به خود راه دهند! و جیره‌خواران و مزدورانشان که همی جز حمایت از غیر تو ندارند، از هیچ شرارت و توطئه‌ای بر ضدّ دعوت‌کننده‌ی به سوی تو خودداری نمی‌کنند! با این حال، همه می‌دانیم که آن‌ها نخواهند توانست از ظهور تو جلوگیری کنند. تو مانند آفتاب می‌آیی و قلب‌های تاریک بشریت را پس از این تنهایی و مسکنت طولانی، با لبخند مهرت روشنی می‌بخشی. تو می‌آیی و درمانی می‌شوی برای تمام آلام بشریت! پس اینک ای مسلمانان! گوش بسپارید و چشم تیز کنید.

چندی است که در ورای رنگین‌کمان زیبای آسمان دنیا، در دورترین سرزمین‌های شرقی از جهان اسلام، پرچمی افراشته شده و نور هدایتی هویدا گشته است که منبع آن قرآن کریم، سنّت متواتر پیامبر و حکم قطعی عقل است. پس آن را اجابت کنید و به سویش بشتابید! همانا سروش آسمانی نوید می‌دهد که پایان درد و هجران فرا رسیده است و سرگردانی و حیرت مؤمنان سرانجامی خوش خواهد یافت.

خواهرم و برادرم! مهدی منتظر ماست تا ببیند آیا با کنار گذاشتن جهل و تقلید و اهواء نفسانی و دنیاگرایی و تعصّب و تکبر و خرافه‌گرایی، دست در دست تنها زمینه‌ساز واقعی ظهور او حضرت منصور

هاشمی خراسانی، در مسیر زمینه‌سازی ظهورش گام برمی‌داریم؟! بدون شک گام اول این حرکت مبارک، مطالعه‌ی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» است. کتابی که امروز بسیاری از مسلمانان جهان را نجات داده و از اسارت موانع شناخت رها کرده و به سوی واقعیت اسلام و حقیقت مسأله‌ی امام مهدی و چگونگی ظهور آن حضرت رهنمون شده است. با مطالعه‌ی این کتاب زلال، چشم دل انسان روشن می‌شود.

نگو که اول عکس نویسنده‌اش را نشانم بده! نگو نویسنده‌اش کجا زندگی می‌کند! نگو در کدام حوزه و دانشگاه ما درس خوانده است؟! چراکه این سؤالات تنها از کوته‌فکری و سطحی‌نگری نشأت می‌گیرد.

نگو که آیا کتاب مورد تأیید ولیّ فقیه یا مراجع تقلید یا دارای مجوّز وزارت ارشاد ایران هست یا نه؟! چراکه تأیید یا عدم تأیید عقل تو برایت کافی است و هیچ‌کدام از این منابعی که می‌گویی به جای تو در قبر و برزخ و قیامت پاسخگو نخواهند بود. نه رهبر، نه مراجع تقلید و نه وزارت ارشاد ایران! دینت را از هر کس گرفته‌ای به تأیید او هم نیاز خواهی داشت و وای بر ما اگر دینمان را از این رجال گرفته باشیم! ما دینمان را از خدا و رسولش گرفته‌ایم نه از روحانیون دینی و مبلّغان مذهبی و سرسپردگان نظام‌های سیاسی!

پس بدون تعصّب و پیش‌داوری آن را مطالعه کن تا ببینی تنها راه حلّ موجود برای صلاح و فلاح مسلمانان در همین کتاب است.

من به عنوان خواهر کوچک شما از شما عاجزانه خواهش می‌کنم که بدون تعصّب و شخص‌پرستی و انفعال در برابر تبلیغات منفی و بی‌اساس، این کتاب را مطالعه کنید و اگر آن را با قرآن کریم و سنت پیامبر و حکم عقل همسو و مطابق دیدید، بپذیرید و به کمک نویسنده‌ی آن حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی بشتابید تا از این آتش که با دستان خودمان برافروخته‌ایم، بیرون بیایم؛ «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»!